

بیانات در دیدار دست‌اندرکاران برگزاری همایش بین‌المللی تفسیر تسنیم - 6 / اسفند / 1403

بسم الله الرحمن الرحيم (۱)

خیلی خوش آمدید آقایان محترم ؛ و خیلی متشکریم از این توضیحات خوبی که هم جناب آقای اعرافی دادند، هم جناب آقای حاج آقا سعید [جوادی] گفتند راجع به این کتاب شریف، و استفاده کردیم. آنچه باید در معرفی این کتاب گفته بشود، همینهایی بود که آقایان گفتند ؛ چیز زیادتری نداریم.

من دو سه مطلب را [عرض میکنم]: یک مقوله، مقوله‌ی شخص آیت‌الله آقای جوادی است ؛ یک مقوله، مقوله‌ی تفسیر تسنیم است ؛ یک مقوله هم مقوله‌ی رواج تفسیر قرآن - حالا فراتر از علوم قرآنی ؛ نفس تفسیر قرآن - در حوزه‌های علمیّه است.

راجع به آیت‌الله آقای جوادی، به نظر من حوزه واقعاً وام‌دار ایشان است ؛ ایشان کار بزرگی انجام دادند. اینکه انسان از یک جای کوچکی شروع کند تفسیر قرآن را و چهل سال آن را ادامه بدهد، این کار آسانی نیست ؛ یعنی انسان وقتی فکر کند، خواهد دید کار خیلی بزرگی است استقامت بر این کار، خسته نشدن در این کار، تردید پیدا نکردن در ادامه‌ی این کار، بلکه شاید - من البته توفیق پیدا نکردم این را نگاه کنم بفهمم - احتمالاً شوق و ذوق مفسر محترم نسبت به آیات در گذشت زمان بیشتر هم شده باشد ؛ احتمالاً باید این جور باشد. و اینکه انسان مبتهج به این کار - کار روی قرآن - باشد، خیلی باارزش است. صحبت شده بود با ایشان راجع به همین کار تفسیری ایشان، خود ایشان مبتهج بودند به این کار و میگفتند این یک «المیزان» امروز است ؛ تعبیر ایشان این بود ؛ میگفتند این المیزان است، منتها المیزان باب امروز، برای امروز. انسان که نگاه میکند، [میبیند] واقعه‌ش هم همین جور است. بنابراین، کار ایشان کار واقعاً باارزشی است. البته فعالیت‌های علمی ایشان در زمینه‌های علوم عقلی و نقلی مهم است و جای تقدیر دارد، لکن هیچ کدام از آنها به نظر من با این کار تفسیری با این تفصیل، قابل مقایسه نیست ؛ یعنی به نظر من این کار، هم از کارهای فلسفی ایشان، [هم] از کارهای عرفانی ایشان، [و هم] از کارهای فقهی ایشان مهم‌تر و والاتر است. خداوند ان شاء الله به ایشان اجر بدهد، عمر ایشان را طولانی کند و این نشاطی را که موجب شد ایشان بتوانند این کار را در این مدت طولانی ادامه بدهند، ان شاء الله خداوند در ایشان حفظ کند. شاید بخواهند مراجعه کنند ؛ پیش می‌آید که انسان گاهی مراجعه میکند، نظرش در مورد یک مسئله‌ای تغییر پیدا میکند، یک چیزی را اضافه میکند ؛ ان شاء الله این نشاط در ایشان ادامه پیدا کند.

و اما راجع به مقوله‌ی تفسیر تسنیم ؛ به نظر من این تفسیر از افتخارات شیعه است. من واقعاً میتوانم این جور تعبیر کنم که از افتخارات شیعه است. تفسیر به معنای خاص خودش در این کتاب خیلی خوب انجام گرفته، [یعنی] آیه تبیین شده، قوت تفکر عقلانی مؤلف کمک کرده که برخی از مفاهیم ظریف، لطیف و دست‌نیافتنی در آیات، فهمیده بشود. من البته خیلی توفیق نداشتم مراجعه کنم به [این] تفسیر ؛ گاهی چرا، لکن دیشب و امروز برای اینکه حاضرالذهن باشم، گفتم یک جلد از آن تفسیر را بیاورند من نگاه کنم، تصادفاً جلد چهلیم، سوره‌ی یوسف [بود]. انسان نگاه میکند، واقعاً سرشار از مطالب دانستنی‌ای است که میشد اینها را انسان ندیده بگیرد ؛ مثلاً فرض کنید [اینکه] «رؤیا» چیست ؛ حقیقت رؤیا، بحث درباره‌ی حقیقت رؤیا. همان سبک کاری که مرحوم آقای طباطبائی در المیزان انجام دادند تحت عنوان بحث فلسفی یا بحث مثلاً اجتماعی ؛ منتها این، در سطح عظیم این تفسیر بزرگ، گسترده است ؛ یعنی اگر فرض کنیم آن کاری که حالا نسبت به المیزان آن کار [انجام] شده، [مشابه آن] بنا باشد مباحث غیر تفسیری را از این کتاب استخراج کنند و جمع کنند، خودش یک دایرةالمعارف میشود ؛ یک مجموعه‌ی

بزرگی از معارف میشود که قابل استفاده است، در موضوعات مختلف، مثلاً فرض کنید به مناسبت یک کلمه در یک آیه.

و برای اینکه این استفاده خوب انجام بگیرد، به نظر من این تفسیر احتیاج دارد به یک فهرست فنی کامل. من امیدانم حالا در این زمینه کاری شده یا نه. تفسیر، فهرست لازم دارد؛ این تفسیر، فهرست فنی لازم دارد تا هم موضوعات بیان بشود، هم ترتیب حروف با [ترتیب] الفبایی ملاحظه بشود که اگر انسان مثلاً فرض کنید که راجع به فلان موضوع میخواهد بداند در این تفسیر چه هست، بتواند بزودی پیدا کند آنها را و استفاده کند. بنابراین هم تفسیر است، هم به یک معنا دایرةالمعارف است. بنابراین انصافاً تفسیر تسنیم جزو افتخارات شیعه است، جزو افتخارات حوزه است و ما خدا را شکر میکنیم بر اینکه این کار انجام گرفت.

من شنیده‌ام، بعضی از طولانی بودن تفسیر - هشتاد جلد بودن آن - گلایه‌مندند و میگفتند که این تفسیر را خوب است کوتاه کنیم، خلاصه کنیم. من به نظرم این کار نه ممکن است، نه جایز است. یعنی این کار، تفسیر را از آن هویت خودش می‌اندازد. کتاب تفسیر - بخصوص با این تفصیل - کتابی نیست که انسان بخواهد از اوّل بنشیند تا آخر بخواند که انسان بگوید هشتاد جلد است، طولانی است نمیتوانیم بخوانیم؛ کتاب مرجع است؛ انسان یک آیه‌ای را میخواهد بفهمد، یک سوره‌ای را میخواهد بفهمد، یک موضوعی را میخواهد بفهمد، مراجعه میکند؛ این ۸۰ جلد باشد، ۱۰۰ جلد باشد، ۱۸۰ جلد باشد، فرقی نمیکند. بنابراین کوتاه کردن تفسیر [جایز نیست]. حالا امروز به نظرم به من گفتند که بنا است آن قسمت‌های خلاصه‌ی تفسیری را که آن اوّل هر آیه ذکر شده، اینها را جمع کنند؛ خوب یک چیزی خواهد شد اما نه، به نظرم می‌آید اسم آقای جوادی و اسم تفسیر تسنیم را با این کارها کوچک نکنیم؛ بگذاریم تفسیر همین‌طور به همین شکل باشد. منتها فهرست میخواهد، فهرست لازم دارد؛ تفسیر حتماً بدون فهرست کم‌استفاده خواهد شد؛ باید فهرست بشود. این هم راجع به مسئله‌ی تسنیم.

و اما مقوله‌ی تفسیر قرآن در حوزه‌ها. انصافاً حوزه‌ها در این زمینه کم‌کارند؛ حوزه‌های مختلف ما، در طول زمان، خیلی کم‌کاری در این زمینه داشته‌اند. مجاهدت بزرگ را مرحوم آقای طباطبائی کرد که با اینکه هیچ معمول نبود، ایشان آمدند درس تفسیر شروع کردند و همین، مبدأ توجه به قرآن و مفاهیم قرآنی و مانند اینها در حوزه شد. ایشان در مدرسه‌ی حجتیه [درس تفسیر داشتند]. بنده البته توفیق نداشتم که آن درس را بروم، [اما] آقای جوادی آن وقت مدرسه‌ی حجتیه بودند، به نظرم میرفتند. یک عده‌ای میرفتند درس ایشان، لکن درس کوچکی بود؛ یعنی در مسجد مدرسه‌ی حجتیه، یک گروهی - شاید چهل پنجاه یا به نظرم سی چهل نفر - می‌نشستند، لکن شروع مهمی بود؛ آقای طباطبائی (رضوان الله علیه) کار بزرگی را آغاز کرد و پایه‌گذاری کرد. قبل از ایشان، در حوزه‌ی قم هم خبری نبود، در حوزه‌ی نجف هم به طریق اولی خبری نبود. در حوزه‌ی نجف، خوب میدانید دیگر مرحوم بلاغی یک چیز مختصری و بعضی دیگر از آقایان یک چیز مختصری در این زمینه دارند؛ ولی آن کاری که توقع میرود از یک حوزه‌ای که میخواهد علوم اسلام را بیان کند، اصلاً فاصله‌ی حوزه‌های ما با آن خیلی زیاد است.

نتیجه چه میشود؟ نتیجه این میشد که علمای بزرگ و معروف ما خیلی اوقات با مفاهیم قرآنی آشنایی نداشتند. من یکی از علمای خیلی خوب، مرد فاضل، ملاً و بسیار آدم خوب را می‌شناختم - زمان جوانی ما - ایشان میگفت ما نجف که بودیم، خوب مشغول درس و بحث بودیم و مشغول کارهایمان بودیم و بنویس و بگو و تبادل کن و مباحثه کن و برو و بیا و مانند اینها؛ وقتی آمدیم از نجف به ایران، من تصادفاً تفسیر صافی [۲] را پیدا کردم - آن آقا میگفت - تفسیر صافی را نگاه کردم، دیدم عجب مطالبی در این کتاب هست! حالا شما ببینید چقدر مطالب در تفسیر صافی وجود دارد که یک مجتهد ملامی سالها درس خوانده‌ی در نجف را متعجب کند؛ وضع حوزه‌های ما این‌جوری بود.

بنده قبل از انقلاب، یک سروکار مختصری با کارهای قرآنی داشتم، به طلبه‌ها میگفتم؛ میگفتم وضع حوزه‌ی ما این‌جوری است که از «بدان آیدک الله» [۳] که شروع میکنیم تا وقتی اجازه‌ی اجتهاد میگیریم، در طول این سالها، میتوانیم حتی یک بار احتیاج پیدا نکنیم به اینکه بلند شویم از روی طاقچه قرآن را برداریم نگاه کنیم! یعنی این درسهای ما هیچ سروکاری با قرآن ندارد، مگر همان مقداری که در کتاب ادبیات، در مغنی یا در سیوطی و مانند اینها، آیات قرآن هست؛ و الا نه در فقهان، نه در ادبیاتمان، نه در تحقیقات اصولی‌مان، احتیاجی به این پیدا نمیکنیم که بلند شویم قرآن را برداریم نگاه کنیم ببینیم مثلاً چه آیه‌ای در قرآن درباره‌ی این موضوع میشود پیدا کرد یا قرآن چه گفته! این عیب حوزه است.

خب، حالا راه افتاده – ایشان [۴] میگویند دویست درس تفسیر در حوزه هست! خیلی خوب است، این بسیار خوب است، یعنی یک مزده‌ای است؛ بنده این را نمیدانستم که الان دویست درس تفسیر در حوزه‌ی قم هست – منتها کاری کنید که این مراجعه‌ی به تفسیر و درس تفسیر یک فرهنگ باثبات بشود؛ [این کار] نقص شمرده نشود. یعنی مثلاً در فقه، یا حالا در درجه‌ی بعد، مثلاً در فلسفه که یک افتخار است، مثلاً در تفسیر هم به معنای مثلاً شدن باشد، لااقل مثل مثلاً در فقه؛ یعنی این‌جوری باید باشد. حالا البته چون نظام زندگی انسان متوقف به فقه است، بایستی در مورد فقه یک مقداری تعبیر انسان محترمانه‌تر باشد؛ لکن حالا مثلاً اصول با این طول و تفصیلی که دارد، یک نفری که مثلاً در اصول است، یک رتبه‌ای در ذهنیت عام حوزه‌ها دارد؛ آیا آن کسی هم که در تفسیر تسلط دارد بر آیات قرآن و معانی آیات و مفاهیم آیات و اشارات آیات، همین اندازه در ذهنیت عمومی حوزه ارج و قرب دارد؟ این را باید درست کرد.

مراجعات برادران اهل سنت به قرآن خوب است، منتها آنها هم حالا یا بیش از تفسیر یا لااقل به قدر تفسیر، به مسائل حاشیه‌ای کم‌اهمیت قرآن پرداخته‌اند؛ چقدر کتاب در باب «وقف و ابتدا» در [قرائت] قرآن هست! مثلاً فرض بفرمایید چقدر کتاب در باب تجوید هست! و امثال اینها. مسائل قرآنی اینها نیست؛ مسئله‌ی قرآن، فهم آیات کریمه‌ی قرآن است که خب در این زمینه ما انصافاً کم‌کاریم و در شیعه این کار کم انجام گرفته؛ بحمدالله امروز این کار احیا شد. حالا خدا را شکر میکنیم که در این برهه، تفسیر تسنیم به وجود آمد و مایه‌ی افتخار شد. میشود تفسیر تسنیم را سر دست گرفت و نشان داد به دنیای اسلام که ما این را داریم.

یکی از کارها، ترجمه‌ی عربی تفسیر است که این کار هم لازم است. حالا اینکه اصل کار به فارسی نوشته بشود خب یک فلسفه‌ای داشته، عیبی هم ندارد، خوب است لکن دنیای اسلام امروز بیشتر با عربی آشنا هستند و نمیشود ما یک کتاب خوب را داشته باشیم و توقع داشته باشیم که دنیای اسلام آن را بفهمد، بداند، بشناسد، لکن به زبان عربی نباشد؛ این توقع درستی نیست. به نظر من یک گروهی، یک جمعی عرب‌زبان که زبان مادری‌شان عربی است و مسلط به ادبیات عربند، باید بنشینند این کتاب را بتدریج اگر تا حالا نشده [ترجمه کنند]. خیلی خوب [۵]، بله، این کار، کار لازمی است. اگر چنانچه کار، خوب از آب دربیاید، یعنی زبان، زبان خوبی برای مخاطب عربی باشد و بعضی از خصوصیات که از لحاظ روانی مهم است، تفسیر، انتشار سریع پیدا خواهد کرد؛ یعنی در حوزه‌های عربی، این زود رواج پیدا خواهد کرد. مردمان صاحب فکر هم هستند [که استفاده میکنند].

مرحوم آشیخ هادی فضلی (رحمة الله علیه) که ایشان از علمای عربستان بودند، به من گفت که الان در دانشگاه‌های حجاز، اساتید بزرگ حجاز، کتابهای فقهی شیعه را تهیه میکنند و میخوانند؛ یعنی همینهایی که چاپ شده. تشکر میکرد که [بر روی] اینها کار شده، تصحیح شده، چاپ شده. چون آخر کتاب ریاض [۶] را مثلاً به آن شکل قدیمی کسی رغبت نمیکند باز کند، اما وقتی ریاض را با این شکل فرض کنید که چاپ کردند، یا جواهر [۷] را مثلاً به این شکل درآوردند، طبعاً او علاقه‌مند میشود. ایشان میگفت که علاقه‌مند شده‌اند و به شیعه اعتقاد پیدا کرده‌اند. مرحوم

آقای فضلی در دانشگاه هم تدریس داشت و میگفت اساتید بزرگ در عالم تستن در آنجایی که حالا ایشان تدریس میکرد - در دانشگاه‌های منطقه‌ی شرقیّه و غیر آنها - همه مجذوبند. این کتاب آن جوری خواهد شد ؛ یعنی اگر چنانچه یک ترجمه‌ی خوبی انجام بگیرد، این دست آنها برسد، دیگر رهایش نمیکند ؛ یعنی دست به دست خواهد گشت ؛ در دنیاى اسلام ان شاءالله میگردد.

تشکر میکنیم از خداوند متعال که این توفیق را به آقای جوادی (دامت برکاته) داد که ایشان این کار را انجام دادند ؛ تشکر میکنیم از آیت‌الله آقای جوادی که این زحمت را کشیدند ؛ تشکر میکنیم از شماها که دنباله‌ی این کار را گرفتید، تحقیق کردید و کار کردید. و ان شاءالله امیدواریم که همه، اجر و ثواب دنیوی و اخروی خودتان را ببرید. سلام ما و تشکر ما را هم خدمت ایشان برسانید.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

(۱) این همایش به همراه آیین رونمایی از هشتاد جلد تفسیر تسنیم، ششم اسفند ۱۴۰۳ در مدرسه‌ی عالی دارالشفا قم برگزار میگردد. در ابتدای این دیدار، حجّت‌الاسلام والمسلمین علیرضا اعرافی (مدیر حوزه‌های علمیّه‌ی سراسر کشور) و حجّت‌الاسلام والمسلمین سعید جوادی‌آملی (رئیس بنیاد علوم و حیانی اسراء و عضو شورای سیاست‌گذاری همایش) گزارشهایی ارائه کردند.

(۲) نوشته‌ی ملامحسن فیض کاشانی

(۳) عبارت آغازین کتاب «جامع‌المقدمات» که طلاب علوم دینی در ابتدای تحصیل، آن را می‌آموزند.

(۴) مدیر حوزه‌های علمیّه‌ی سراسر کشور

(۵) یکی از حضار: تا جلد ۳۰ این کتاب به زبان عربی ترجمه و چاپ شده.

(۶) ریاض المسائل فی بیان الاحکام بالدلائل، نوشته‌ی مرحوم سیّدعلی طباطبائی

(۷) جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، نوشته‌ی مرحوم محمدحسن نجفی